



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۶/۲۵

عبدالقیوم میرزاده

ملت

منافع ملی

دولت – ملت

در افغانستان

به ادامه گذشته (قسمت ششم)

در باره پیدایش دین و مذهب دانشمندان برخورد انتزاعی داشته و هر کدام فهم و اندوخته های شان را از تاریخچه پیدایش مذهب به گونه ای بیان داشته اند اما همه دانشمندان عرصه های جامعه شناسی، انسان شناسی، روان شناسی، تیئولوژی و مؤرخین متفق القول به این باور اند که دین یا مذهب اساساً عبارت است از مجموعه ای از باور ها، افکار و عقاید انسان ها برای بهتر زنده گی کردن میباشد، یا به عباره دیگر دین یا مذهب در بیشترین عمر موجودیت اش رهنمای انسانها در شاهراه انسانیت بوده است و به همین ملحوظ در گذشته ها شاهان و حاکمان در عین زمان متولیان دینی هم بودند زیرا در آنزمان ها هنوز دولت های مدرن با قوانین پیشرفته تنظیم کننده امور اداره، مردم و کشور ها پا نگرفته بود. و یا به باور دیگر دین مجموعه ای از روش ها و نظام های فرهنگی، باور ها و جهان بینی هایی است که با ایجاد نماد ها و سمبول ها انسان ها را به ارزش های معنوی و روحانی مرتبط میگرداند. و یا به زنده گی معنی می بخشد، در بسا ادیان خاصاً در دین اسلام به هستی شناسی پرداخته شده و در باره ماهیت انسان و جهان هستی ایده های ناب ارایه داده اصول اخلاقی معین برای بهتر زنده گی کردن انسان ها مطرح میدارد.

به قول الکسیس کارل Alexis Carrel (۱۸۷۳ – ۱۹۴۴) جراح و فیزیولوژیست فرانسوی دین عبارت از وجدان انسان است که گاه و بیگاه انسان ها را متوجه خطا های شان میگرداند و چون مشعل فروزان در کج راهی ها و گمراهی ها به انسانها یاری میرساند.

همچنان میتوان گفت که دین پس از ملت دومین عامل احساس هویت در جهان بشمار میرود. دین اسلام از همان منبع و اساسش بر محوریت انسان و محوریت عقل بر نابرابری ها و اشرافیت آنزمان بنیان گذاشته شد، به قول حضرت محمد(ص) پیغمبر اسلام اولین آیه دینی (اقرأ به اسم ربك الذی خلق) نازل گردید، یعنی بخوان بنام خدا(ج) که خواندن اثباتی است بر عقل محوری این دین و بنام آن خدایی بخوان که خلق کرده خلقت آفریده، که اثباتی است بر خلقت محوری و انسان محوری این دین. ولی بعد ها متولیان یا تیکه داران این دین اشرافیت جدیدی را بنام اشرافیت دینی ایجاد کردند دین را به بیراهه کشانده و از آن بهره برداری های سیاسی کرده و اهداف جهان گشایی و استعماری خویش را در این پوشش در جهان به منصفه اجرا گذاردند.

با آنکه اسلام در میان ادیان ما قبل اش بنام دین صلح، مصالحه و سجایای برتر انسانی شهرت فراوان داشت ولی در محدوده ای جغرافیایی ما از همان آوان تهاجم اعراب تا کنون به حیث دین زور و سرنیزه از طریق زور، جبر و فشار بوسیله جنگهای تباہ کن و خانمانسوز بر مردم این سرزمین تحمیل گردیده و به همین شیوه بسوی همسایه گان جنوب و شرق هم شتافته که دشمنی های چندین قرنه آنها را با مردمان ما به جان خریده است.

دین اسلام برای مردم ستیزه جوی افغان که تاریخ متمادی اش را در دفاع و تهاجم قرار داشته یک محمل جدید برای جنگ و ستیز و در مواقع معین بهانه ای برای تهاجم به همسایگان در دسترس قرار داد. همچنان اسلام بر تمام

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

شئون مردم این سرزمین تأثیر گذاشت و بنا بر وابستگی این دین به اعراب و تغذیه متداوم فکری پیشوایان، متولیان و مسئولین دینی از جانب اعراب در طول زمان موجودیت اش در کشور ما به حیث وسیله بازدارنده انکشاف فکری، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مورد سؤاستفاده قرار گرفته است تا مردم ما را زیر نام مذهب کور کورانه برای تحقق سیاست های استیلاگرانه شان مورد بهره برداری قرار دهند. در اینجا قابل ذکر است که اعراب و گویا گسترش دهنده گان و ترویج دهنده گان دین اسلام بعد از خلفای راشدین دیگر آن مسلمانان مومن و وجدین واقعی اسلام نه بلکه جواسیس و عمال دولت های عرب بمنظور گسترش دامنه امپراطوری های خویش برای مقاصد استیلاگرانه بودند و هستند که زیر پوشش بیرق ولوای اسلام مردم و کشور ما را از لحاظ فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به قهقرا و تا سرحد مناسبات ماقبل تاریخ برده و محکم در همانجا نگهداشته اند به گونه مثال به روستا نشین بی بضاعت و دهقان ما که به شیوه ما قبل تاریخ کار و زنده گی بسیار پر مشقت و ابتدایی دارد از جانب متولیان دینی تبلیغ میگرد که به همین زنده گی ات هزار بار شاکر باش و خداوند(ج) در آخرت این و آن نصیبت میکند و به همین ترتیب با صد ها دام فریبنده دیگر مردم را به صید گرفته اند.

به باور پژوهشگران تاریخ لشکر کشی های قبایل اعراب به بیرون از مرزهای جزیره العرب، انگیزه اش فقط کسب غنایم و گرفتارن برده و کنیز بوده است تا نشر معنویت و اخلاق و خدا جویی و عدالت. ابوزید عبدالرحمن بن محمد بن خلدون (۱۳۳۲ - ۱۴۰۶) متولد تونس مورخ نامی عرب معروف به ابن خلدون در این باره مینگارد: «پیش از آغاز زد و خورد های مسلحانه در جنگ قادسیه بدستور سعد بن ابی وقاص سر لشکر اعراب قاریان با صدای بلند سوره انفال(غنیمت) را برای جنگجویان عرب خواندند که در آن وعده غنایم بسیار بدانان داده شده بود، و شنیدن این آیات غنیمت شور و هیجان رزمندگان را به حداعلی برانگیخت، بطوریکه بعد از آن قرائت این سوره در آغاز هر جنگ تازه برای اعراب در خارج از مرز های جزیره العرب بصورت یک سنت جاریه درآمد.»

اعراب خاصتاً عربستان سعودی از دیر زمانی بمنظور تأثیرگزاری فرهنگی و جلوگیری از گسترش نفوذ ایران و ترکیه در منطقه با صرف میلیارد ها دالر و گسیل عوامل نفوذی خویش به کشور ما سیاست خارجی و داخلی کشور را سخت به چالش کشیده است که البته این وسیله برای امپراطوری های تازه به دوران رسیده انگلیس و روس هم خالی از مفاد نبوده است و این امپراطوری ها مراکز جدید تربیه، تجهیز و تعلیم عناصر گماشته شان را تحت نام و عنوان مدارس دینی ایجاد ویا منابع و مراکز قبلی را تصرف و در تحت اداره خود شان در آوردند. به این ترتیب دین اسلام با آنکه از بدو ایجادش یکی از بهترین و پیشرفته ترین ادیان سماوی بوده و نه تنها از احکام حقیقی روابط انسانی، عدالت اجتماعی، تساوی حقوق انسان، رشد و انکشاف آگاهی و خرد انسانی در همه عرصه های زنده گی (اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) برخوردار بود بلکه قرآن مملو از دستورات علمی و جامعه شناسانه ایست که اگر واقعاً از طریق مراجع اکادمیک آنچنانیکه سایر کتب فلاسفه را مورد تحلیل و ارزیابی قرار میدهند، مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد میلیون ها سال دیگر توانایی اداره و رهبری جامعه بشری را صرف نظر از عقاید و باور های شان داشته و فرضیه های علمی و جهان بینی این کتاب هزاران مرتبه بیشتر و بزرگتر از کتب علمی و فلسفی موجود را که جامعه بشری تا کنون میشناسد، میباشند، به حیث یک وسیله مخرب اجتماعی، بازدارنده انکشاف و ترقی، سندی آسمانی برای انواع تبعیضات چون تبعیض جنسی، نژادی و مذهبی و عامل تفرقه و تفتین در میان دارنده گان و معتقدین خود این دینت مانند شیعه، سنی، سلفی، علوی، قادیانی، بهایی و صد های دیگر از یکطرف بستر ساز خونین ترین تصادمات و انقطابات جامعه ما گردیده و از طرف دیگر بحران اعتماد را در جامعه ما گسترده تا از اتحادملی، همدلی همه مردم، تساند در مقیاس کشور، روحیه پدروطنی و کار بخاطر منافع مشترک ملی را جلوگیری به عمل آورد. به قول دکتور علی شریعتی متفکر نقاد ایرانی ۱۹۳۳ - ۱۹۷۷ "قرآن کتابی است که با نام خدا آغاز می شود و با نام مردم پایان می پذیرد."

کتابی آسمانی است اما - بر خلاف آنچه مؤمنین امروزی می پندارند و بی ایمانان امروز قیاس می کنند - بیشتر توجهش به طبیعت است و زندگی و آگاهی و قدرت و پیشرفت و کمال و جد و جهد! کتابی است که نام بیش از ۷۰ سوره اش از مسائل انسانی گرفته شده است و بیش از ۳۰ سوره اش از پدیده های مادی و تنها ۲ سوره اش از عبادات! آن هم حج و نماز! کتابی است که شماره آیات جد و جهد انسانی اش با آیات عبادتش قابل قیاس نیست ... کتابی است که نخستین پیامش خواندن است و افتخار خدایش به تعلیم انسان با قلم... آن هم در جامعه ای و قبایلی که کتاب و قلم و تعلیم و تربیت مطرح نیست.

این کتاب از آن روزی که به حیل دشن و به جهل دوست لایش را بستند، لایه اش مصرف پیدا کرد و وقتی متنش متروک شد، جلدش رواج یافت و از آن هنگام که این کتاب را - که خواندنی نام دارد - دیگر نخواندند و برای تقدیس و تبرک و اسباب کشی (کوچ کشی) به کار رفت.

از وقتی که دیگر درمان دردهای فکری و روحی و اجتماعی را از او نخواستند، وسیله شفای امراض جسمی چون درد کمر و باد شانه و ... شد و چون در بیداری رهاپش کردند، بالای سر در خواب گذاشتند و بالاخره، این که می

بینی؛ اکنون در خدمت اموات قرارش داده اند و نثار روح ارواح گذشتگانش و ندایش از قبرستان های ما به گوش می رسد.

قرآن! من شرمنده توام اگر از تو آواز مرگی ساخته ام که هر وقت در کوچه مان آوازت بلند می شود، همه از هم می پرسند: "چه کس مرده است؟"

چه غفلت بزرگی که می پنداریم خدا تو را برای مردگان ما نازل کرده است.
قرآن!

من شرمنده توام اگر تو را از یک نسخه عملی به یک افسانه موزه نشین مبدل کرده ام.
یکی نوق می کند که تو را بر روی برنج نوشته، یکی نوق می کند که تو را فرش کرده، یکی نوق می کند که ترا با طلا نوشته، یکی به خود می بالد که تو را در کوچک ترین قطع ممکن منتشر کرده و ... آیا واقعا خدا ترا فرستاده تا موزه (موزیم) سازی کنیم؟

قرآن! من شرمنده توام اگر حتی آنان که تو را می خوانند و تو را می شنوند، آن چنان به پایت می نشینند که خلاق به پای موسیقی های روز مره می نشینند ... !

اگر چند آیه از تو را به یک نفس بخوانند، مستمعین فریاد می زنند: "احسنت ...!" گویی مسابقه نفس است ... قرآن!
من شرمنده توام اگر به یک فستیوال مبدل شده ای! حفظ کردن تو با شماره صفحه، خواندن تو از آخر به اول، یک معرفت است یا یک رکورد گیری؟

ای کاش آنان که ترا حفظ کرده اند، حفظ کنی، تا این چنین ترا اسباب مسابقات هوش نکنند.
خوشا به حال هر کسی که دلش رحلی است برای تو. آنان که وقتی ترا می خوانند چنان حظ می کنند، گویی که قرآن همین الان به ایشان نازل شده است.

آنچه ما با قرآن کرده ایم تنها بخشی از اسلام است که به صلیب جهالت کشیدیم."

این واقعیت است که تیکه داران دین اسلام در عرب و عجم قرآن این کتاب با عظمت علم و فلسفه انسان و انسانیت را وسیله ای برای اهداف شوم غیر انسانی خویش از خرافات گرفته تا خشونت بالای زن و خانواده، جنایت و کشتن انسان بدون محکمه در صحرا و فتوا های انسان دشمن سوء استفاده کرده و میکنند.
چنانچه گاندی فقید در این زمینه میگوید:

"من به کسانی که از مذهب خود با دیگران سخن می گویند و تبلیغ می کنند مخصوصاً وقتی که منظورشان این است که آنها را به دین خود در آورند هیچ اعتقاد ندارم. مذهب و اعتقاد با گفتار نیست بلکه در کردار است و در این صورت عمل هر کس عامل تبلیغ خواهد بود. برای کسی که اندیشه عدم خشونت را در خود پرورده است تمام عالم یک خانواده است. نه ترسی به دل دارد و نه کسی از او می ترسد."

ادامه دارد